



شهر ونگ



سنگ مفت، حرف مفت

باران و سوسک‌هایی که
نباید می‌آمدند!



شهاب نیوی
طنز نویس

زندگی علمی-تخیلی مان درحالی
ادامه دارد که وزیر نیرو گله کرده و گفته
بارندگی در سیستان و بلوچستان ۴۵ برابر
پارسال بوده. ما ضمن اعلام برائت از هر
ابری که قصدش خیس کردن ما باشد،
اعلام می‌کنیم که حق کاملا با مسئولان
است. ظرفیت آدم نهایت بتواند
۲ برابر شود، نه ۳ برابر، دیگر ته‌نش
۱۰ برابر شود، دیگر نمی‌تواند یک‌هوا ۴۵
برابر شود که. این مثل این می‌ماند که
آدم به بچه‌اش بگوید بیا کمرم را لنگ کن،
بعدش بچه آدم با بولدوزر از روی کمر آدم
رد شود. حالا نمی‌دانم این مثال خیلی به
موضوع مان می‌خورد یا نه، ولی چیزی بهتر
به ذهنم نرسید.

در خبری دیگر وزیر محترم کشور گفت
که از آغاز طرح سهمیه بندی بنزین، قاچاق
مایع مذکور به میزان ۹ میلیارد لیتر کاهش
یافته. ما بررسی کردیم و دیدیم که ایشان
کاملا درست می‌گویند.

جدای از این کاهش قاچاق سوخت،
هوا هم خیلی بهتر شده. آلاله هم غنچه
کرده، کبوتر هم بچه‌اش را سلامت به دنیا
آورده. موتوری‌ها هم از توی پیاده‌رو حرکت
نمی‌کنند. استادان محترم دانشگاه هم
نه‌ونیم بار ده می‌دهند. مشکل ترافیک
دم‌غروب اتوبان همت هم رفع شده و کلی
اتفاق خوب دیگر هم افتاده که من الان
یادم نیست.

در خبری دیگر داشتیم که عیدی
بازنشستگان یک میلیون و دویست هزار
تومان مقرر شده. من ضمن اینکه مراتب
قدردانی تمام بازنشستگان، مخصوصا
مادر خودم را به مسئولان ابلاغ می‌کنم،
پیشنهادهایی هم ارایه می‌دهم که این
مبلغ حیف و میل نشود. پیشنهاد نخست
این است که در ایام عید کلا بچه‌هایشان
را عاق کنند و به منزل گرم پدری راه‌شان
ندهند.

پیشنهاد بعدی این است که از
بچه‌هایشان بخواهند که دست از این
رفت‌وآمدهای بچه‌گانه بردارند و سعی
کنند کمی بزرگ شوند.

پیشنهاد بعدی این است که درها
را ببندند و تلفن‌ها را هم قطع کنند. اگر
هیچ‌کدام از اینها هم جواب نداد خانه گرم
پدری را به قصد مکانی نامعلوم ترک کنند.
در خبری دیگر هم داشتیم که انگار
سوسک‌ها هم مثل ما انسان‌ها عاشق
هوای آلوده هستند و برای همین تهران در
معرض هجوم بی‌سابقه سوسک‌های قرمز
است.

ما از همین تریبون استفاده می‌کنیم و به
این سوسک‌های عزیز می‌گوییم که باور
کنید این شهر هیچی ندارد. یک چند وقتی
که از حضورتان بگذرد، دچار انواع و اقسام
مشکلات جسمی و روحی می‌شوید. □



رئیس شورای شهر: صداوسیما باید بابتی طرفی رفتار کند

صداوسیما: این بی‌طرفی که می‌گید چی هست؟!

یک کارشناس: طبق گفته اون سایتی که اسمش رو یادم رفته، ما از همه بی‌طرف‌تریم!
یک شهروند: اصلا آدم تلویزیون رو که روشن می‌کنه، یاد بی‌طرفی سوییچ می‌افته!
یک شهروند دیگر: بی‌طرفی فقط اونجاش که به اتفاق مهم افتاده
و واسه ما از بقای بخش می‌کنند!
یک مسئول سابق: سال‌های ساله که قراره به منم وقت بدن از خودم دفاع کنم.
#طنز #هرکی-میگه-بی-طرف-نیست-میتونه-بره-صدا-وسیما-مچکریم #شهر ونگ

پرونده رقصنده‌های اینستاگرامی حدود ۵۰۰ متهم دارد

یکی از متهمین: من فقط داشتم شاپاش می‌دادم

اختلاسگر: تا مشغولید، من چند تا وام دیگه می‌گیرم!
موسسه فرهنگی: کار فرهنگی باید صورت بگیره
{درخواست بودجه‌اش را سه برابر می‌کند}
یک شهروند: نمی‌شه ول شون کنید؟ من سر خودم رو به جوری گرم می‌کنم!
سیل زده بلوچستان: بی‌رحمت این وسط ۵۰۰ نفر از ما رو هم نجات بدید
یک مسئول: اگه ۱۰۰۰ تا می‌شدند، کل مشکلات حل می‌شد!
#طنز #از-نظر-سطح-دغدغه-کی-بلده-چشمک-بزنه #شهر ونگ

فلکه اول

رفته سراغ شغل دیگری. تحمل دومین شکست عشقی را در
کارنامه‌ام نداشتم.
دفعه اول به گوینده عابر بانک دلبسته بودم، همیشه
آخر شب‌ها که خیابان خلوت بود، یک ساعتی را کنار عابر بانک
می‌گذراندم.
بدون آنکه غریزند حرف‌هایم را می‌شنید، در عوض من
هم رمز کارت‌م را بهش می‌گفتم، رابطه‌مان داشت به خوبی
پیش می‌رفت تا اینکه یک روز به لطف فضای مجازی فهمیدم
گوینده عابر بانک یک مرد است که شبیه به زن‌ها صحبت
می‌کند!
بعد از آن شکست کمرشکن، چند ماهی پول‌هایم را در
بالشتم پس‌انداز کردم. دلم گرفته است، چرا دیگر به این
صداها به این آدم‌ها اعتمادی نیست. □

دیگر به آدم‌ها اعتمادی نیست!

بعد از چند روز که مریض احوال گوشه خانه افتاده بودم،
دیگر طاقتم به سر آمد. هر طور که شد خودم را به اولین ایستگاه
مترو رساندم. سرفه‌کنان پله‌های برقی را یکی در میان رد کردم و
وارد واگن قطار شدم.
پسر بچه دست‌فروشی داشت چیز می‌فروخت. سریع ۲۰
تومان کف دستش گذاشتم و خواهش کردم برود واگن بعدی.
بعد از ساکت شدن دست‌فروش، گوش‌هایم را تیز کردم، منتظر
ماندم تا صدای آن خانم محترم را از بلندگو مترو بشنوم. فکر
می‌کنم عاشق این صدا شده بودم. در بسته شد.
«ایستگاه بعد عبدالآباد» لیخنند روی صورت‌م محو شد، صدا،
صدای یک مرد بود. گوشه مترو کز کردم، با خودم گفتم حتما

آزادراه

سوپ خفاش غذا نیست

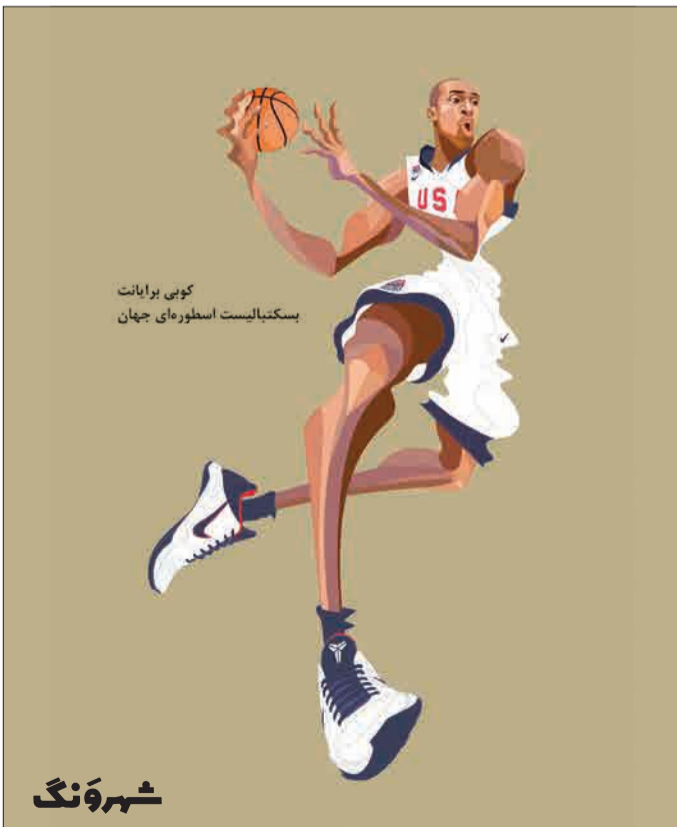
به در دنبال ویروس‌اند که آن را بگیرند و تبدیل به غذا کنند.
بعید است این ویروس چینی باشد چون جنسش خیلی قوی است
و به این راحتی‌ها از بین نمی‌رود. به احتمال زیاد خفاش مبتلا از چین رد
می‌شده که چند آدم گرسنه در راه شکارش می‌کنن. هرچه قسم می‌خورد
که مریض است و برای دوا و دکتری خواهد به‌ژاپن برود قبول نمی‌کنند.
بدی اپتلا به ویروس کرونا این است که خیلی شبیه
سرماخوردگی است و تا بیایی بفهمی چنین ویروس باکلاسی گرفته‌ای و
بخواهی به همه بگویی از این ویروس جدیدها گرفته‌ای مُردی. البته در
خبرها آمده که چینی‌ها داروی این بیماری را کشف کرده‌اند و به صورت
رایگان آن را در اختیار مردم قرار داده‌اند. این رفتار از دولت چین بعید
است. طبیعی است الان که همه به این دارو نیاز دارند، آن را قدر خون
پدرشان به مردم بفروشند. بالاخره داروسازهای چینی هم آدم‌اند. باید
نان بخورند. چندان از این فرصت‌ها گریزان می‌آید؟
به احتمال زیاد در ابتدا که چینی‌ها ویروس را شناخته‌اند فوری شهر را
قرنطینه کرده‌اند تا کسی نفهمد سوپ خفاش خورده‌اند و این بیماری را
گرفته‌اند و آبرویشان حفظ شود. ولی این عزیزان کشور دوست و
همسایه هم مثل ما از وجود شبکه‌های اجتماعی و اپلیکیشن‌های
دهن لقی مثل تلگرام عاصی هستند. می‌توان به شکل قاطع گفت که
دلیل اصلی انتشار ویروس کرونا تلگرام است. از بس چینی‌ها سرشان
توی گوشی است. تازه تلگرام به جز این ضرر، مانع دور هم نشستن
خانواده‌ها و سر زدن به پدر و مادر هم می‌شود. اگر در چین بقیه
اپلیکیشن‌ها را هم فیلتر کنند جلوی این‌جور بیماری‌ها گرفته خواهد
شد. (از اتاق فرمان اشاره می‌کنند که همه اپلیکیشن‌ها در چین فیلتر
هستند.) خب پس همان سوپ خفاش وراسو پشه نخورند، ان‌شاء‌الله
سالم می‌مانند. □

خدا رو شکر که هنوز ویروس
کرونا وارد ایران نشده. وگرنه تا
با این موضوع در مطلبی شوخی
می‌کردیم، همین دوستان مان
در شهر ونگ اجازه انتشارش
را به دلایل پاره‌ای از ملاحظات که برای هیچ‌کس مشخص نیست،
نمی‌دادند. البته اینکه این ویروس به ایران نیامده همین جوری نیست.
ما خیلی از مسئولان فرودگاه متشکریم که با تیزهوشی و سرعت عمل
بالا توانستند خیل مسافران بازگشته از چین را سرپایی معاینه کنند.
همچنین از خبرنگاران پرتلاش صداوسیما هم تشکر می‌کنیم که در این
امر مسئولان رایاری کردند.
با این همه اگر هم خدایی ناکرده چنین ویروسی به ایران پا گذاشت،
نگران نباشید. فوق‌فوقش دوتا کتاب علمی آتش می‌زنیم و یک چایی و
نبات می‌خوریم، خوب می‌شویم. اگر دیدید ویروس چینی است و خیلی
بدقلقی می‌کند و به خاطر خاستگاه چینی‌اش، ول‌کن شما نیست، بروید
در هوای آلوده تهران قدم بزنید و سیگار بکشید. خودش می‌فهمد
اینجا چین نیست که این سوسول بازی‌های قرنطینه و سم‌پاشی در آن
معنایی داشته باشد. در نهایت به او می‌فهمانیم، در اینجا هر کس با هر
شرایطی کنار نمی‌آید، بهتر است جمع کند برود.
منشأ به وجود آمدن بیماری ناشی از ویروس کرونا هم خیلی عجیب
است. اصلا بتمن وقتی شنیده با سوپ خفاش این ویروس منتقل شده
همه من‌هایش ریخته. خود خفاش‌ها وقتی سوپ جلویشان می‌گذارند،
نمی‌خورند و به شدت معتقدند که سوپ غذا نیست. ولی این چینی‌ها
سوپش را می‌خورند. ول‌شان کنی کله‌پاچه و دیزی و آش خفاش را هم
می‌پزند و به عنوان غذای سنتی ارایه می‌کنند. شنیده‌ها حاکی است که در



طیبه رسول‌زاده
طنز نویس

شهر ونگ



شهر ونگ